اما زبان‌شان عامیانه و طنزآمیز بود و در شکل‌گیری «گفتمان لذت‌طلبی» رپ‌فارسی، نقشی کلیدی داشتند. آهنگ‌هایی چون «تابستون کوتاهه» و «چرا بدی؟» همچنان بسیار محبوب هستند. در سال‌های بعد، زدبازی و سهراب ام‌جی در فرانسه و ترکیه با تولیدکنندگان اروپایی همکاری کردند. دراین‌میان رپ شش‌وهشت (یا رپ طنز و پاپیولار) هم سربرآورد. امیر تتلو در دوره‌هایی از کارش مثل «طبیعی نیست» با ترکیب شوخی، خودنمایی و لذت، نوعی رپ‌پاپ را شکل داد. عرفان پایدار یا رض نیز نقشِ یک «روایتگر سبک زندگی شهری» را ایفا کرد و رپ‌هایی درباره‌ی مهمانی، روابط عاشقانه‌ی زودگذر و مصرف‌گرایی خواند. این گفتمان بازتاب فرهنگ مصرف‌گرای طبقه‌ی متوسط مدرن است؛ فرهنگی که لذت و شوخی است و از طریق خنده، اضطراب‌های اجتماعی خود را مهار می‌کند.

تعدادی دیگر از خوانندگان نیز، گفتمان اخلاق‌گرای انتقادی را برگزیدند. زبان این رپ پر از پند، امید و نقد نرم اجتماعی است؛ برای مثال یاس در ترانه‌هایی چون «نامه‌ای به فرزندم» یا «به امید ایران»، از پرهیز از اعتیاد، احترام به خانواده و امید به آینده می‌گوید.

جایگاه رپ‌فارسی در جهان

رپ‌فارسی از همان آغاز پیدایش‌اش در اواخر دهه‌ی ۱۳۷۰، برخلاف همتایان عربی یا ترکی خود، با دو مانع بزرگ روبه‌رو بود؛ زبان و سیاست. فارسی، نه زبانی جهانی است، نه در نظام رسانه‌ای بین‌المللی جایگاهی پرنفوذ دارد. ازسوی‌دیگر، محدودیت‌های سیاسی و فرهنگی در داخل کشور، از شکل‌گیری بازار رسمی برای رپ جلوگیری کرده است. درنتیجه رپ‌فارسی ناچار شد مسیر متفاوتی از هم‌زبانان خاورمیانه‌ای خود طی کند؛ مسیری حاشیه‌ای، زیرزمینی و عمدتاً متکی بر جامعه‌ی دیجیتال و دیاسپورا. درواقع یکی از عوامل اصلی حضور رپ‌فارسی در جهان، همین جامعه‌ی دیاسپورای ایرانی است؛ میلیون‌ها ایرانی در اروپا، آمریکای شمالی و ترکیه، در دو دهه‌ی اخیر به مخاطبان و تولیدکنندگان فعال این موسیقی بدل شده‌اند. هنرمندانی چون عرفان پایدار، پویان، سالومه ام‌سی، تهم و سپهر خلسه بخشی از این حلقه‌ی جهانی هستند. آنان بیرون از مرزها، با آزادی بیشتر در بیان و دسترسی به صنعت موسیقی بین‌المللی، به تداوم و ترجمه‌ی فرهنگی رپ‌فارسی کمک کرده‌اند.

در نخستین دهه‌های حیاتِ این سبک ـ یعنی از حدود ۱۳۷۹ تا اوایل دهه‌ی ۱۳۹۰ ـ رپ‌فارسی تقریباً به‌طورکامل در چارچوب داخلی محدود بود؛ اما با گسترش پلتفرم‌های جهانی موسیقی مانند Spotify، SoundCloud، YouTube و Apple Music، این انزوا به‌تدریج فرو ریخت. از حدود سال ۲۰۱۵، رپرهای فارسی‌زبان توانستند آثار خود را در بازار جهانی موسیقی دیجیتال منتشر کنند و به فهرست‌های بین‌المللی راه یابند. در چنین شرایطی برای نخستین‌بار، نام‌هایی چون هیچکس، یاس، حصین، پیشرو و زدبازی در فهرست‌های رسمی اسپاتیفای با عناوینی نظیر Rap From The Middle East و Underground Hip-Hop دیده شدند.

در سال ۲۰۱۸، آهنگ «هویت من» (Hoviat-e Man) از یاس، در فهرست پرفروش‌ترین ترانه‌های هیپ‌هاپ آسیایی قرار گرفت و توجه رسانه‌های غربی را جلب کرد. در سال ۲۰۲۱، شبکه‌ی آلمانی DW، سپس مجله‌ی VICE در گزارش‌هایی با عنوان Iranian Rap as Protest Music، از رپ‌فارسی به‌عنوان صدای مقاومت و اعتراض نسل جوان ایران یاد کردند.

در چندسال اخیر، دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی غربی نیز به رپ‌فارسی توجه نشان داده‌اند. در مقاله‌هایی چون پژوهش دانشگاه برمن و اثر ماریان سی‌گر در دانشگاه لیدن (Leiden)، رپ‌فارسی به‌عنوان نمونه‌ای از «Islamic World Resistance Rap» یا «رپ مقاومت در جهان اسلام» بررسی شده است. در این نگاه، رپرهایی چون هیچکس، یاس و پیشرو در کنار هنرمندانی چون Lowkey (رپر عراقی‌ـانگلیسی)، DAM (گروه فلسطینی) و El Rass (رپر لبنانی) قرار می‌گیرند؛ هنرمندانی که هیپ‌هاپ را از قالب سرگرمی خارج کرده و به ابزار اعتراض، بیان هویت و نقد اجتماعی تبدیل کرده‌اند. به‌بیان‌دیگر، رپ‌فارسی در جهان هنوز یک «سبک شناخته‌شده‌ی موسیقایی» نیست، اما یک پدیده‌ی فرهنگیِ موردتوجه است.

با همه‌ی این‌ها و با وجود رشد فزاینده‌ی شنوندگان، رپ‌فارسی هنوز وارد ساختار رسمی «صنعت موسیقی جهانی» نشده است. نبود کمپانی‌های پشتیبان، سانسور در ایران و پراکندگی جغرافیایی هنرمندان، مانع از آن شده که رپ‌فارسی مانند رپ‌فرانسوی یا کره‌ای به بازارهای جهانی راه پیدا کند. با این حال از منظر فرهنگی، این موسیقی جای خود را پیدا کرده است.

اقتصادِ موسیقی رپ

از آغاز پیدایش رپ‌فارسی، این جریان موسیقایی بر بستری شکل گرفت که هیچ سازوکار رسمی یا حمایت اقتصادی در آن وجود نداشت. برخلاف موسیقی پاپ مجاز که زیر چتر صنعت موسیقی، مجوز، تهیه‌کننده و شبکه‌ی پخش فعالیت می‌کرد، هنرمندان اولیه‌ی این جریان، از هیچ سرمایه‌ی مادی‌ای برخوردار نبودند، اما درعوض نوعی سرمایه‌ی نمادین در اختیار داشتند و موفقیت‌شان با میزانِ شهرت، بازنشر و تأثیری که در میان مخاطبان پیدا می‌کرد، سنجیده می‌شد.

با گسترش اینترنت و ورود شبکه‌های اجتماعی، وضعیت اقتصادی این موسیقی به‌تدریج دگرگون شد. ظهور پلتفرم‌هایی مانند یوتیوب، اسپاتیفای، اپل میوزیک و ساوندکلاود، ساختار تازه‌ای از گردش اقتصادی را ممکن کرد. اگر در دهه‌ی اول تنها هدف رپرها شنیده‌شدن بود، در دهه‌ی بعد، شنیده‌شدن می‌توانست به درآمد نیز تبدیل شود. هرچند محدودیت‌های بانکی و تحریم‌ها مانع استفاده‌ی مستقیم از نظام پرداخت جهانی شدند، اما همان سازوکار جهانیِ اقتصاد توجه در ایران نیز اثر گذاشت. تعداد بازدید، فالوئر و کامنت به شاخص اعتبار بدل و این اعتبار، خود به‌نوعی ارز اقتصادی تبدیل شد. رپرهایی که مخاطبان بیشتری داشتند، می‌توانستند اسپانسر بگیرند، تبلیغ کنند یا کنسرت‌های خصوصی ترتیب دهند.

در همین دوره، گروهی از هنرمندان کوشیدند تا ساختارهای کوچک و خودگردان تولید موسیقی که اغلب در قالب شبکه‌ای از دوستان و همکاران آنلاین فعالیت می‌کردند، ایجاد کنند. نظام پرداخت در این شبکه‌ها ساده، شخصی و اغلب نقدی بود.

بخشی از درآمد حاصل از کنسرت‌های رسمی، قراردادهای پخش، تبلیغات تجاری و فروش دیجیتال نیز از طریق همکاری‌های مجازی یا محبوبیت در شبکه‌های اجتماعی به داخل ایران بازمی‌گشت؛ ازآن‌طرف بسیاری از هنرمندان از طریق حمایت مستقیم هواداران، کمک‌های داوطلبانه یا سفارش پروژه‌های شخصی امرار معاش می‌کردند.

اقتصاد رپ‌فارسی، در معنای دقیق کلمه، یک اقتصاد بی‌دولت است که بر پایه‌ی فناوری دیجیتال، سرمایه‌ی انسانی و ارتباطات مجازی استوار است و از منطق غیرمتمرکز و تعاونی تبعیت می‌کند.

رپ در ایران، از تضاد میان «زندگی واقعی» و «نمای رسمی» زاده شد. رپرهای ایرانی از روزمرگیِ سرکوب‌شده می‌گفتند؛ از فشار اجتماعی، تبعیض، ناامیدی، عشق‌های پنهان و البته از رؤیای رهایی. آن‌ها می‌خواستند دنیایی را روایت کنند که در رسانه‌های رسمی جایی نداشت. رپ‌فارسی به مخاطبان اجازه می‌داد تا از خودِ بی‌صدا و بی‌نماینده‌شان سخن بگویند

نسبت رپ و ساختار سیاسی

رابطه‌ی ساختار سیاسی ایران با موسیقی رپ درواقع آیینه‌ای از نسبت قدرت با فرهنگِ غیررسمی، جوان و انتقادی است. مثل همان وضعیتی که در دیگر سبک‌ها و هنرها نیز دیده می‌شود. واقعیت این است که رپ حذف‌شدنی نبود، چون از مجرای رسمی نمی‌گذشت. در این سال‌ها، آثار این هنرمندان در شبکه‌های اجتماعی، بازدیدهای میلیونی می‌گیرد و همین ماجرا نشان می‌دهد که جامعه‌ی ایران از منظر فرهنگی، از حاشیه تغذیه می‌کند. در نخستین سال‌های ظهور رپ‌فارسی، دولت اساساً این ژانر را «مجاز» نمی‌دانست. رپ در فضای رسمی موسیقی ایران (که تحت نظارت دفتر موسیقی وزارت ارشاد است) فاقد تعریف حقوقی و هنری بود و درنتیجه هرنوع فعالیت در این سبک، غیرقانونی تلقی می‌شد. در میانه‌ی دهه‌ی ۸۰ دفتر موسیقی وزارت ارشاد رسماً اعلام کرد: «رپ، در فهرست سبک‌های مجاز موسیقی ایران قرار ندارد.» دیگر نهادهای رسمی از جمله صداوسیما نیز رپ را موسیقی «غرب‌زده»، «ضدفرهنگی» و «مخرب ارزش‌های جوانان» معرفی می‌کردند. در گفتمان رسمیِ آن‌زمان، رپ چیزی جز تقلیدی از فرهنگ آمریکایی تلقی نمی‌شد و درنتیجه، نه «ایرانی» بود، نه «قابل هدایت».

اما آنانی که در این فضا کار می‌کردند هم توجهی به این نکته نداشتند و همین محدودیت بدل به فرصتی شد تا هنرمندان رپ، فارغ از سانسور، به زبان صریح‌تری برسند. درواقع گسترش اینترنت پرسرعت و شبکه‌هایی چون اورکات و بعدتر مای‌اسپیس، سپس فیس‌بوک و یوتیوب و هم‌اکنون اینستاگرام، تلگرام و تیک‌تاک به رپرهای ایرانی امکانی داد که پیش‌تر وجود نداشت؛ استقلال از نظام رسمیِ تولید و انتشار موسیقی. در این دوران رپرها دیگر نیازی به مجوز نداشتند و مخاطب خود را در فضای مجازی یافتند و بر دامنه‌ی مخاطبانِ آنان چنان افزوده شد که به محبوبیتی انفجاری در میان نسل جوان رسیدند. در چنین شرایطی، برخورد حکومت از انکار مطلق به کنترل نرم تغییر کرد. سیاست فرهنگی جدید این بود: «اگر نمی‌توان خاموش‌اش کرد، باید هدایت‌اش کرد.»

در این مقطع برخی رپرها تلاش کردند مجوز بگیرند یا با نهادهای فرهنگی رسمی تعامل کنند. در همین دوره مفاهیمی مثل «رپ ارزشی» یا «رپ انقلابی» نیز از سوی برخی نهادهای فرهنگی تبلیغ شد؛ تلاشی برای تولید نسخه‌ی بومی و ایدئولوژیک از رپ. هرچند آن‌چه به این ترتیب منتشر شد، هیچ‌گاه نتوانست مخاطبان گسترده پیدا کند. در چنین شرایطی، نخستین روزنه‌ها از طریق یاس (یاسر بختیاری) گشوده شد. او با ترانه‌ی «عصر بیتابی» (در سوگ زلزله‌ی بم) موفق شد نگاه بخشی از رسانه‌ها را تغییر دهد. او رنگی انسانی به این موسیقی بخشید و از واژگانِ خشونت‌آمیز و بیانِ ناسزا اجتناب کرد. یاس در تمامِ سال‌های فعالیتِ خود، تلاش کرد رپ را با ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی ایران سازگار کند و به‌همین‌خاطر است که او را نماینده‌ی «رپ اخلاق‌گرا و ملی» می‌دانند و رسانه‌های رسمی از او به‌عنوان «رپرِ متعهد» یاد کردند و همین آغاز نوعی همزیستی محتاطانه بود. اما این پذیرش، محدود و مشروط بود. او هیچ‌گاه مجوز نگرفت ـ البته خودش نیز نخواست ـ و تنها در چند جشن فرهنگی رسمی حضور یافت.

شرکت برق منطقه‌ای آذربایجان

آگهی تجدید مناقصه عمومی

نوبت اول

شرکت برق منطقه‌ای آذربایجان در نظر دارد تجدید مناقصه خرید کابل‌های کنترلی بصورت مناقصه یک مرحله‌ای را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۰۱۱۱۹۰۰۰۰۶۷ به آدرس الکترونیکی www.setadiran.ir برگزار نماید.

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۲٬۲۵۵٬۸۳۲٬۰۰۰ ریال به حروف (دو میلیارد و دویست و پنجاه و پنج میلیون و هشتصد و سی و دو هزار ریال) به صورت ضمانتنامه بانکی و یا واریز نقدی به حساب سیبا به شماره IR۰۳۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۰۶۴۰۶۳۷۶۱۹۰ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بنام شرکت برق منطقه‌ای آذربایجان

بهای فروش اسناد: ۲۰۰٬۰۰۰ ریال (دویست هزار ریال)

جدول زمانی انجام مناقصه	
شروع فروش اسناد	از ساعت ۸ صبح مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۱
مهلت دریافت اسناد	تا ساعت ۱۹ عصر مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۶
مهلت بارگذاری پیشنهادات در سامانه ستاد	تا ساعت ۸ صبح مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۱
بازگشایی پاکات	ساعت ۹ صبح مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۱

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۴۱۹۳۴-۰۲۱

جهت اخذ اطلاعات بیشتر به سایتهای زیر مراجعه و یا با شماره تلفن ۳۲۲۷-۳۱۰۷-۰۴۱ تماس حاصل فرمایند.

www.tavanir.org.ir www.lets.mporg.ir www.azrec.co.ir www.setadiran.ir

روابط عمومی شرکت برق منطقه‌ای آذربایجان

شناسه آگهی: ۲۰۴۳۷۰۷

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان قزوین

اصلاحیه فراخوان مناقصه عمومی
همزمان با ارزیابی کیفی (فشرده) به شماره مناقصه ۱۶ - ۱۴۰۴

کد فراخوان پایگاه اطلاع رسانی مناقصات: ۵۳/۲۰۱/۲۱۹

موضوع مناقصه: تامین نیرو جهت حفاظت و حراست از اماکن، اموال و تاسیسات شرکت گاز استان قزوین (شماره مناقصه: ۱۶-۱۴۰۴)

شرکت گاز استان قزوین درنظر دارد مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی کیفی (فشرده) تامین نیرو جهت حفاظت و حراست از اماکن، اموال و تاسیسات شرکت گاز استان قزوین به شماره (۲۰۰۴۰۹۱۳۳۵۰۰۰۰۰۳۳) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. **تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۹ می‌باشد.**

- **مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت:** پایان وقت اداری روز شنبه (ساعت: ۱۶:۰۰) مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۴.
- **مهلت زمانی ارسال پیشنهادات:** تا ساعت ۱۹:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۸.
- **زمان و محل بازگشایی پاکات ارزیابی کیفی:** روز یکشنبه ساعت ۸:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۹ - سالن جلسات ساختمان مرکزی.
- **زمان و محل بازگشایی پاکات مناقصه (الف و ب و ج):** روز شنبه ساعت ۰۹:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۵ - سالن جلسات ساختمان مرکزی.
- **شرایط مناقصه گران:**

۱: داشتن شخصیت حقوقی
۲: شرکتهای تایید صلاحیت شده توسط سازمان حراست وزارت نفت
۳: داشتن گواهینامه صلاحیت پیمانکاری معتبر از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی در رسته‌های خدمات عمومی و یا نگهبانی با رتبه ۶ یا بالاتر از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
۴: داشتن ظرفیت آزاد ارجاع کار حداقل معادل مبلغ ۴۴۰٬۰۰۰٬۰۰۰٬۰۰۰ ریال در رسته درج شده در بند ۳ (مطابق مفاد دستورالعمل تعیین صلاحیت و رتبه بندی شرکت‌های خدماتی به شماره ۱۷۷۴۷۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۲۳ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی)
۵: ارایه آخرین صورت‌های مالی حسابرسی شده (منتهی به اسفندماه سال ۱۴۰۳) بر اساس آیین‌نامه راهکارهای افزایش ضمانت اجرایی و تقویت حسابرسی به شماره ۲۶۵۱/ت۳۹۵۳۹ک مورخ ۸۸/۰۲/۰۹ وزیران محترم عضو کمیسیون اقتصاد و اطلاعیه‌های بعدی آن.
۶: شرکت مناقصه گران در قالب گروه‌های مشارکت در این مناقصه امکان پذیر نمی‌باشد.

- **تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار:** طبق مصوبه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲ هیأت وزیران به مبلغ ۲۲٬۰۰۰٬۰۰۰٬۰۰۰ (بیست و دو میلیارد) ریال
- **محل تامین اعتبار:** اعتبارات جاری شرکت گاز استان قزوین
- قیمتهای پیشنهادی مناقصه گران می‌بایست متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارایه گردد.
- به این پیمان مطابق آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی، مصوبه هیات وزیران به شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲، پیش پرداخت معادل ۱۵٪ مبلغ اولیه پیمان تعلق خواهد گرفت.

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۱۴۵۶-۰۲۱ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

کد اقتصادی شرکت گاز استان قزوین: ۴۱۱۱۱۷۱۸۸۷۷۹ شناسه ملی شرکت گاز استان قزوین: ۱۰۱۰۱۸۹۱۷۶۲

شناسه آگهی: ۲۰۴۴۰۱۷

روایت مقاومت در سینمای جهان عرب

سعید دهقانی
پژوهشگر جهان عرب

سالیان‌سال است که مشتی از فیلم‌ها و سریال‌های به‌اصطلاح ضدصهیونیستی در ایران تولید می‌شود، اما واقعیت این است که اثرگذاری و کیفیت آن‌ها به‌قدری پایین است که نه‌تنها بر دربرون‌مرزی چندانی ندارند بلکه توجه مخاطبان ایرانی را هم به‌خوبی جلب نکرده‌اند. افزون بر این، سال‌هاست که نهادهای فرهنگی روی تربیت و آموزش فیلمسازان کشورهای دیگر به‌ویژه در منطقه فلسطین، عراق و سوریه برای تولید آثار فاخر در حوزه مقاومت فعالیت می‌کنند؛ اما ماحصل این کوشش‌ها نیز با استقبال اندکی مواجه شده‌اند.

چراراه کارآمدتر این نباشد که ما آثار ضدصهیونیستی کشورهای دیگر را دوبله و به مخاطبان نشان دهیم؛ آثاری که هم روایت‌های دراماتیک جذابی دارند، هم از نظر کیفیت یک سروگردن از محصولات شعارزده داخلی برترند. یکی از این فیلم‌ها «عملیة فی تل أبیب» (مأموریتی در تل‌آویو) است که الحق والانصاف، اثری سترگ در سینمای معاصر مصر به‌شمار می‌رود. امید می‌رود این فیلم سینمایی ترجمه، دوبله و در رسانه‌های رسمی کشور نمایش داده شود؛ چراکه نه‌تنها نمادی کلیشه‌ای، بلکه متفاوت از یک اثر هنریِ وفادار به آرمان فلسطین است.

فیلم «عملیة فی تل أبیب» روایتگر دیپلمات و سیاستمداری است که به‌بهانه‌های مالی از کار کناره‌گیری می‌کند. سپس سراغ افرادی می‌رود که هرکدام‌شان حذاقتی ویژه در کار خود دارد. یکی نابغه سیستم‌های امنیتی است، دیگری قهرمان بدنسازی، یکی‌دیگر متخصص جوشکاری و چندهمراه دیگر که هرکدام در کارشان متخصص هستند. دیپلمات کارکشته با بازی هنرپیشه مشهور مصری «عادل إمام» آن‌ها را ساماندهی و در قالب یک تیم جمع‌شان می‌کند و وعده مأموریتی محیرالعقول به آن‌ها می‌دهد؛ سرقت از یکی امنیتی‌ترین و خطرناک‌ترین نهادهای اقتصادی دنیا: خزانه بانکی در تل‌آویو. آن‌ها با ترفندهایی مانند صحبت‌کردن به زبان عربی، پوشیدن لباس‌های رایج یهودیان، عبور از تونل‌های زیرزمینی، پوشیدن کلاه کیپا و البسه خاخام‌ها، راه را برای نفوذ خودشان به قلب تل‌آویو باز می‌کنند. سپس با ایده‌هایی برنامه‌ریزی‌شده به خزانه بانک راه می‌یابند و با وجود خطرهایی که سر راه‌شان قرار دارد موفق می‌شوند بانک را خالی کنند و بگریزند. در ادامه ماجرا آن‌ها برای بازگشت به مصر، راه‌شان به یکی از کشورهای فقیر آفریقایی بازمی‌شود، به گروگان گرفته می‌شوند و پس از رایزنی‌های دولت مصر آزاد می‌شوند. هنگام ورود به فرودگاه برای بازگشت به مصر، وجدان بیدار رئیس گروه از فلاکت، فقر و گرسنگی آن قبایل بادیه‌نشین آفریقایی به‌ستوه می‌آید و به اعضای گروه پیشنهاد می‌دهد، غنیمتی که قرار است با خود به کشور ببرند را وقف گرسنگان آفریقایی کنند. در ابتدا اعضای گروه مخالفت می‌کنند اما رفته‌رفته همه آن‌ها می‌پذیرند که این پول حق بینوایانی است که حتی از خوردن یک وعده غذا در طول روز هم محروم‌اند. سرانجام تیم سارقی که پول را از اسرائیل دزدیده بودند و به فقرایی در آن سوی شاخ آفریقا داده بودند، بسان رابین‌هودهایی سرخوش از عملی نیک‌خواهانه به کشور باز می‌گردند.

گفتنی است این فیلم براساس نسخه سریالی آن تدوین شده. سریالی با عنوان «فرقة ناجی عطا الله» که در سال ۲۰۱۲ در بسیاری از شبکه‌های عربی از جمله «قناة الوطن»، «قناة الظهرة»، «شبکة النهار» و بسیاری از شبکه‌های پرمخاطب جهان عرب پخش شد. پخش و حتی بازپخش این سریال زمانی بود که اوضاع سیاسی مصر به‌شدت متشنج بود.

نکته جالب دیگری که درباره زمان ساخت این سریال می‌توان بیان کرد، این است که مراحل تولید آن در زمان حسنی مبارک و با حمایت‌های او صورت گرفت. این درحالی است که برخی به اشتباه بر این باور هستند که در زمان حکومت حسنی مبارک، از تولید محصولات ضدصهیونیستی در مصر جلوگیری می‌شد. گفته‌شده هزینه‌ای که مبارک برای تولید این سریال اختصاص داده بود، مبلغی بالغ بر ۷۰ میلیون پوند بوده که با همکاری MBC و کانال الظفرة به تیم تولیدکننده اختصاص داده شد.

درهرحال مهم نیست که چقدر بودجه و از سوی چه‌کسانی به این پروژه مهم فرهنگی اختصاص داده شده؛ آن‌چه اهمیت دارد این است که اثری پرمخاطب تولیدشده که از یک‌سو، حامی محور مقاومت در برابر زورگویی‌های اسرائیل است و ازسوی‌دیگر، جذابیت‌های یک اثر نمایشی را دارد. جذابیت‌هایی که هنوز هم پس از گذشت یک‌دهه، منقضی نشده‌اند و جایشان در سبد فرهنگی ایرانیان بسیار خالی است.